

۱۲۹۴۱۲۱

# احادیث و روایات اسلامی در شعر پارسی

(از آغاز تا پایان قرن ششم هجری)

دکتر اسحاق طنبیانی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تهران - ۱۳۹۴

انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

دوره جدید

۷

زیر نظر و اشراف

مهدی محقق

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتاب شناسی ملی

طغیانی، اسفندیار، اسحق، ۱۳۳۵ -

احادیث و روایات اسلام در شعر پارسی: (از آغاز تا پایان قرن ششم هجری) / مولف اسحاق طغیانی.

تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۴.

۳۲۸ ص.

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۵۹۰.

۱۹۲-۰-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸: ۱۵۰۰۰۰ ریال

فیفا

شعر فارسی - تأثیر حدیث

احادیث در ادبیات فارسی

قرآن در ادبیات فارسی

شعر فارسی - قرن ۱-۶ ق.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۹۴ ط ۷ ۴ ح / ۳۵۵۵ PIR

۱/۰۰۹۳۱ فا ۸

۳۹۱۵۸۶۱



မှတ်ချက်: ၁၈-၂၀၂၁-ခုနှစ်: ၁-၂၀၂၁-ခုနှစ်: ၁-၂၀၂၁-ခုနှစ်: ၁-၂၀၂၁-ခုနှစ်

[illegible]

www.anjom.it

تاریخ: ۱۵۰۰۰

تاریخ: ۱۵۰۰۰

## پیشگفتار انجمن

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

آثار منظوم و مثنوی فارسی گنجینه‌ای است که از بدو پیدایی مرزهای جغرافیایی را در نور دیده و در بیرون مرزها هم ادراک یافته است. هواداری بیرون مرزها به پاس قدردانی از سخنان گرانبهاتر از گوهر است که در لابه‌لای کلام نویسندگان و سخن‌سرایان نشانده شده است. پارسی‌گویان بزرگ، سخن را بر گوهر برتری داده‌اند:

سخن را سخندان ز گوهر گزید ز گوهر را پاد برتر سزید

هر سخنور و نویسنده‌ای به قصد تنفیذ کلام و اقناع خصم با انحاء کوشیده است که از طریق اقتباس، اشاره، التفات، تلمیح، حلّ و تضمین و آرایه‌های دیگر سخن خود را مقبول‌تر و نافذتر کند. بدیهی است چنانکه سیدبرهان‌الدین محقق ترمذی گفته است: «هر سخنی که در جهان معتبر است یا قرآن است یا حدیث است.» (مقالات، ص ۲۷). به همین دلیل است که اکثر کتابها - خواه منظوم یا مثنوی - با نام خدای یکتا آغاز می‌شود. شاهنامه با بیتی آغاز شده است که پیشگفتار

ما هم با همان آغاز می‌شود. حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شده که کلّ امری ذی بالٍ لم یبدأ بِبسم الله فهو اَبتر: هر کار خطیری که با نام خدا آغاز نشود، به نتیجه نمی‌رسد. نظامی گنجوی اولین مثنوی خود *مخزن الاسرار* را با بیت زیر شروع می‌کند که گویی ناظر به حدیث پیامبر (ص) است:

بسم الله الرحمن الرحيم      هست کلید در گنج حکیم

نظامی عروضی در *چهار مقاله* در مقاله اول در دبیری ویژگی‌های دبیر موفّق را برمی‌شمارد و توصیه می‌کند که اگر دبیر می‌خواهد به درجه‌ای برسد که بر صدر نشیند و قدر بیند، باید در علم بهره‌ی داشته باشد و از هر استادی گفته‌ای بیاموزد و از هر حکیمی لطیفه‌ای بشنود و از هر مرادی بی طرفه‌ای اقتباس کند... می‌نویسد: «پس عادت باید کرد به خواندن کلام رب العزّ و انبار مصطفی (ع) و آثار صحابه و... از دواوین عرب، دیوان متنبی ... و از شعر عجم شعار رودکی و *شاهنامه* هر یک که برشمردم در صناعت خویش نسبیج وحده بودند. و رحید وقت... اما چون قرآن داند به یک آیتی از عهده ولایتی بیرون آید، چنانکه انکاشی مناسب آن است که ملخص حکایتی را که عنصرال مال یکاؤوس بن اسکندرین قابوس بن وشمگیر بن زیار در باب سی و نهم *قابوسنامه* در آداب و آیین دبیری و شرط کاتب آورده است، بیاوریم:

«... شنیدم ای پسر که جلد تو سلطان محمود به خلیفه القادر بالله به بغداد نامه فرستاد و گفت که: باید که ماوراءالنهر به من بخشی و مرا منشور دهی تا بروم و به شمشیر ولایت بستانم... القادر بالله گفت: اندر همه اسلام مرا از ایشان مطیع‌تر کس نیست... و اگر تو بی‌فرمان من این کنی همه عالم را بر تو بشورانم.

سلطان محمود از آن سخت طیره شد. رسول خلیفه را گفت: چه گویی من از بومسلم کمترم؟... اینک آمدم با دو هزار پیل و دارالخلافه به پای پیلان ویران کنم و خاک وی بر پشت پیلان به غزنین آرم و تهدید عظیم بنمود از بارنامه پیلان خویش، رسول برفت و بعد از آن به چند گاه باز آمد، سلطان باز بنشست و حاجبان و غلامان صف زدند... رسول را بار دادند. رسول پیامد و نامه‌ای قریب یک دسته کاغذ منصوری پیوسته و درهم پیچیده و مهر کرده پیش سلطان محمود بنهاد، گفت: امیر المؤمنین همی گوید که نامه تو خواندم و تحمیل (پیغام، رسالت) تو شنودم و جواب نامه تو... جواب تحمیل تو این است که اندر این نامه نبسته است. خواجه بونصر مسکان... دست دراز کرد و نامه برداشت و بگشاد تا بخواند، اوّل نامه نبسته بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، آنکه سری چنین: الم، الف و لام و میم» و آخر نامه الحمد لله و الصلوة علی رسوله محمد (ص) اجمعین». و هیچ دیگر نبسته نبود. محمود با همه کاتبان خویش اندر اندیشه افتاد که این چه سخن مرموز است؟ و هر آیتی که در قرآن الف و لام و میم بود همه بنشانند و تفسیر بکردند، هیچ جواب محمود نبود. آخر الامر خواجه ابوبکر قهقشانی که جوان بود و هنوز درجه نشستن نداشت... گفت: ای خداوند؛ امیر المؤمنین [نه] الف و لام و میم نبسته است، خداوند وی را تهدید به پیلان کرده بود و گفته که [خاک] دارالخلافه به پشت پیلان به غزنین آرم، جواب خداوند نبسته است: اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ؟ (فیل، ۱/۱۰۵). جواب پیلان خداوند همی دهد. شنیدم

که سلطان محمود را تغییر [ظ: تغیر] افتاد تا چند گاه به هوش باز نیامد و بسیار بگریست و زاری کرد... عذرهای خواست از خلیفه...» (قابوسنامه، ۲۰۸-۲۰۹)

این شیوه در میان ملل اسلامی اعم از عرب، فارس، هندی... طبعاً به تقلید از ایرانیان رواج پیدا کرده است.

ناصرخدا، و از متفکران گرامی اهل باطن است در آثار منظوم و منثور خود به امثال قرآنی توجه و عنایت خاص داشته، در یکجا گفته است:

«اهل باطن و باویل گفتند: سخن خدای تعالی اندر قرآن بر سبیل مثل است، چنانکه می گوید: «وَآتَى صَبَإَ لِّلنَّاسِ فِی هَٰذَا الْقُرْآنِ مِثْلَ مَثَلٍ» (روم، ۵۸/۳۰) و خدای تعالی این کتاب کریم را بر سَنَارَتِ جِبْرِئِل و وساطتِ مُحَمَّد مصطفی (ص) سوی ما فرستاد، ما که اَمّتِ مصطفییم بر ما واجب است که امثال را که اندر قرآن است از خویشتن دور نیندازیم، بل بر آن تنبیه و تحذیر خویش دانیم از خدای تعالی، و «مثل» به پارسی مانند باشد. پس واجب است بر ما که مانند آنها نباشیم که مثل بد در شأن ایشان است چنانکه خدای تعالی گفته:

«لِّلَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلّٰهِ الْمَثَلُ الْاَعْلٰی...» (نحل، ۶۰/۱۶).

باز همو در عظمت مقام امثال قرآن و اینکه تأویلات آن را نزد خاندان رسول (ص) باید جستجو کرد، گوید:

|                                  |                                        |
|----------------------------------|----------------------------------------|
| امثال قرآن گنج خداست چه گویی     | از «حَدَّثَنَا قَالَ» گشوده شود امثال؟ |
| بر علم مثل معتمدان آل رسول‌اند   | راحت نماید سوی آن علم جز این آل        |
| قفل است مثل، گر تو نپرسی ز کلیدش | پر علت جهل است ترا اکحل و قیفال        |
| پُرئوسِ مثل‌های قرآن تا نگزاریش  | آسان نشود بر تو نه امثال و نه احوال    |

پژوهشگران از دیرباز به منظور آنکه مطالعه کنندگان را از مراجعه به قرآن، کتب حدیث بی نیاز کنند، کتابهایی در زمینه آیات و احادیث به کار رفته در دیوان‌ها و کتابهای منظوم و مثنوی تدوین کرده‌اند، به قید بعضی از آنها بسنده می‌کنیم:

امثال القرآن، تألیف ابراهیم بن محمد نبطویه (م، ۳۲۳ ق)

امثال النران، تألیف ابوالحسن علی بن محمد ماوردی (م، ۴۵۰ ق)

امثال القرآن، مرجم علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۳۳.

احادیث و قصص مثنوی (تلفیقی از دو کتاب: احادیث مثنوی و مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، مرجم بدیع‌الزمان فروزانفر، ترجمه کامل و تنظیم: حسین داودی، امیر کبیر، ۱۳۸۵).

تأثیر قرآن و احادیث در شاهنامه فردوسی حسن منتصب مجابی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۳.

تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، دکتر علم انصاری حلبی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.

تقریباً در پایان بسیاری از کتابهای تصحیح شده، نویسندگان فهرستی از آیات، احادیث، اعلام و ابیات قرار می‌دهند. کتابی که پیش رو دارید تحقیقی است در باب احادیث، روایات اسلامی و اشعار شاعران پارسی‌گوی از دوره‌های آغازین شعر فارسی تا قرن ششم هجری که مؤلف محترم آنها را استخراج و مدون کرده است.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی امید دارد این کتاب مورد استفاده پژوهشگران حوزه علوم اسلامی و قرآنی قرار گیرد و برای مؤلف گرامی موفقیت در عرصه پژوهش از درگاه خدای بزرگ خواستار است.

توفیق هـ. سبحانی

معاون علمی - پژوهشی انجمن

www.ketab.ir